

ساماندهی به شرط هنر اجرا

ادامه از صفحه ۵

■ تجربه آبان ۹۸ هزینه اصلاحات اقتصادی را بالا برد. دولت باید چگونه با این سیاست مواجه شود و آن را اعمال کند؟

کامران ندردی، دقیقاً به همین دلیل باید تجربه مربوط به افزایش قیمت بنزین را حتماً لحاظ کرد و به یکباره و به صورت ضربتی ارز ۴۲۰۰ تومانی را از چرخه اقتصاد حذف نکنیم. در تجربه حذف یارانه انرژی هم از سال ۹۷ بحث‌های کارشناسی مربوط به بنزین مطرح می‌شد. من همواره توصیه می‌کردم که به‌صورت تدریجی انجام شود. اینکه به یکباره قیمت بنزین را که جزو کالاهای اساسی و استراتژیک برای مردم است، از ۱۰۰۰ تومان به ۳۰۰۰ تومان، آن هم در شرایط تشدید تحریم‌ها، افزایش دهید، قطعاً تبعاتی روانی و حتی فراتر از آن دارد؛ حتی برای آنهایی که ماشین نداشتند. در رابطه با کالاهایی که اکنون مشمول ارز ۴۲۰۰ تومانی است هم فرقی نمی‌کند. بعد از ارز ۴۲۰۰ تومانی موسوم به ارز جهانبازی که بنا بود همه واردات کشور با آن ارز انجام شود و بعداً شکست خورد، دولت یک گروه از حدود ۲۵ قلم کالا را تعیین کرد و گفت این ارز را به این تعداد کالا مثل عدس و شکر و... که قوت روز مردم است اختصاص می‌دهیم. بعداً متوجه شدند که این ارز، آنها را به هدفشان نمی‌رساند و بتدریج شروع به کاهش دادن تعداد اقلام کردند و تعداد آن را به ۷ قلم کالا رساندند. این ۷ قلم کالا از نهاده‌های دامی گرفته تا گندم و دارو بسیار کلیدی و اساسی هستند و به نظر بنده می‌توان گفت ارز ۴۲۰۰ تومانی در مهار قیمت این کالاها به طور نسبی مؤثر بوده است.

■ آیا صرفاً با تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌توان امید داشت که قیمت کالاهای اساسی ثابت باقی بماند؟

محمد رضا عبداللهی: تجربیات گذشته نشان می‌دهد که در شرایطی که شما تورم‌های بالا دارید، درست است که می‌توانید قیمت کالاهای اساسی را با حفظ ارز ۴۲۰۰ تومانی از ناحیه قیمت نهاده‌ها نگه دارید ولی بقیه هزینه‌های اقتصاد را نمی‌توانید در این شرایط ترمیمی حفظ کنید. نتیجه این است که از سال ۹۷ به نهاده‌های مرغ ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌گیرد هر بار نیز به سنگرهای عقب‌تر عقب‌نشینی می‌کند؛ با قیمت مرغ ۱۱،۷، ۱۷ و ۲۴ هزار تومان و اکنون ۳۱ هزار تومان روبه رو هستیم. هر بار به سیاستگذار می‌گوییم چرا قیمت مرغ اینقدر بالا رفته، توجیه آنها این است که نهاده را ۴۲۰۰ تومان می‌دهیم بقیه هزینه‌ها برای تولید کننده مرغ ثابت نمانده و رشد کرده است و آن را ناشی از تورم اقتصاد می‌دانند. با تورم ۵۰ و ۷۰ درصد طبق اعلام بانک مرکزی نمی‌شود انتظار داشت که تنها با نهاده ثابت دادن نیروی کار و بقیه هزینه‌ها گران نشود. بخش قابل توجهی از هزینه تولید ناشی از همین تورم دارد رشد می‌کند، اگر علاجی برای این تورم نداشته باشید قیمت مصرف کننده مرغ در حال حاضر ۳۱ هزار تومان است، با این قیمت‌های مصوب و با همین روال و با حفظ ارز ۴۲۰۰ تومانی در دی ماه سال بعد ۴۵ هزار تومان خواهد شد.

■ آنتور که گفته می‌شود بناسبت یارانه ۹۰ یا ۱۱۰ هزار تومانی برای اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفته شود. به نظر شما این راه حل می‌تواند جایگزین خوبی برای تبعات ناشی از سیاست حذف ۴۲۰۰ تومانی باشد؟

کامران ندردی: سؤال اصلی من این است اگر دولت اکنون بودجه ندارد چطور می‌خواهد مابه التفاوت را بپردازد؟ دولت فکر می‌کند که اگر ارز ۴۲۰۰ را حذف کند و به جای آن یارانه نقدی پرداخت کند، مشکلاتش کمتر می‌شود. در اینجا بحث‌هایی وجود دارد، مثلاً مشخص نیست که چه مقدار یارانه پرداخت می‌شود؟ آیا مقدار تعیین شده به همه یا فقط به گروه‌های خاصی تعلق می‌گیرد؟ یارانه تعیین شده، چقدر می‌تواند تورم هزینه خانوار را جبران کند؟ با این کار کسری بودجه دولت چقدر کاهش می‌یابد؟ آیا برآوردی که دولتمردان از آثار تورمی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی دارند، درست است؟ سؤالاتی از این دست ابهاماتی هستند که باید پاسخ داده شوند. مضاف

بر اینکه ما هنوز اطلاعات دقیقی از دهک‌ها نداریم. نکته دیگر آنکه دولت شاید حساب و کتاب کند که اگر یارانه ۹۰ یا ۱۲۰ هزار تومانی به مردم بدهد و مابه التفاوت دارو را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کند شاید ۲۰ تا ۳۰ درصد کسری بودجه را کمتر کند. دولت منبع ندارد و می‌خواهد یارانه نقدی را ۳ برابر پرداخت کند که حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان یا بیشتر در سال می‌شود و این غیر از دارو است. تفاوت ۴۲۰۰ با ۲۳ هزار تومان [ارز] نیمایی حدود ۱۸ هزار تومان می‌شود که در مجموع اگر ۱۰ میلیارد دلار تخصیص ارز ۴۲۰۰ باشد، حدود ۱۸۰ هزار میلیارد تومان در بودجه دولت صرفه‌جویی ایجاد می‌کند. بنابراین شاید این برنامه دولت حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه را کمتر کند. اضافه کردن این مبلغ به کسری بودجه، از منظر اقتصادی با توجه به اندازه تولید ناخالص داخلی، کسری بودجه نگران‌کننده‌ای را ایجاد نمی‌کند، مشروط بر اینکه دولت بلد باشد چگونه کسری بودجه را مدیریت کند اما شوک تورمی ناشی از حذف یکباره ارز ۴۲۰۰ با توجه به تأثیر به‌شدت منفی آن بر انتظارات تورمی ممکن است شدید باشد و فشار زیادی را به طبقه متوسط و فرودست جامعه وارد کند.

■ البته من آمار دقیق را نمی‌دانم و در واقع مرکز پژوهش‌ها هم به آمار و ارقام دقیق دسترسی ندارد و مثل موارد دیگر، لذا طبیعتاً سیاست‌های کافی وجود ندارد، اما این بحث دقیق نباشد. متأسفانه، دولت آمار و اطلاعات دقیق را منتشر نمی‌کند. من کارشناس اگر اطلاعات دقیق داشته باشم بهتر می‌توانم مردم را توجیه کنم. دولت باید اطلاعات دقیق را در اختیار کارشناس‌ها بگذارد تا آنها با مردم صحبت کنند.

محمد رضا عبداللهی: حمایت مؤثر از خانوار یکی از مهم‌ترین ملاحظات است که باید در نظر گرفته شود تا بتواند از تبعات اجرایی و امنیتی موضوع بکاهد. ملاحظات در خصوص تأمین کالاهای اساسی، عرضه فراگیر آن و اینکه تحت تأثیر انتظاراتی که شکل می‌گیرد، قیمت‌ها از حد انتظار فراتر نرود و این شرایط منجر به احتکار نشود. یک اجرای درست می‌تواند نتایج این سیاست را به بهترین شکل اجرا کند و البته اجرای نادرست هم امکان دارد کشور را درگیر مسائل امنیتی و اجتماعی جدی کند.

کامران ندردی: در این رابطه مسأله اصلی این است که دولت کسری بودجه دارد. دولت ارز برای تخصیص ندارد و رقم آن نیز شفاف نیست. در بودجه سال ۱۴۰۰ گفتند که ۸ میلیارد دلار به ۷ قلم اختصاص داده شده است و بعداً همین رقم افزایش داده شد و به ۱۲ میلیارد دلار رسید. زمانی که می‌خواستند ارز را حذف کنند اعلام می‌کنند که خیلی بالاتر از ۱۷ میلیارد دلار بود است! برخی مسئولان بارها اعلام کرده‌اند که حذف این ارز ۷ درصد تورم ایجاد می‌کند منتها از طرف دیگر ۳۰ درصد تورم را پایین می‌آورد و این یک ادعای بزرگ است. حال اگر پایین نیاید چه می‌شود؟ در دو مدل اجرای اکنون چه زمان آقا احمدی‌نژاد و سال ۹۸ علاوه بر ملاحظات اجرایی که آنها را قبول دارم شاید مشکل به زمان اجرا نیز مربوط باشد. زمان اجرا در دوره آقای احمدی‌نژاد تورم و انتظارات تورمی کنترل و مهار شده بود، نه در تورم ۴۰ و ۵۰ درصدی که در سال ۹۸ وجود داشت. در حال حاضر وضعیت تورم از سال ۹۸ بدتر است. در دوره آقای احمدی‌نژاد در اوج درآمد‌های نفتی بودیم و نفت را بالای ۱۰۰ دلار می‌فروختیم و شرایط اقتصاد کلان در آن زمان مساعدتر بود و محدودیت‌های حال حاضر را نداشتیم. ملاحظات اجرایی اکنون چه دوره آقای احمدی‌نژاد و دوره آقای روحانی بدتر شده است.

محمد رضا عبداللهی: صرفنظر از حذف یا عدم حذف ارز ترجیحی در حال حاضر حمایت از خانوارها موضوعیت جدی دارد و حتماً هم بایست به شکل جدی از طرف دولت دنبال شود. به نظر می‌رسد باید به این موضوع توجه ویژه کرد که با وجود آنکه اقتصاددانان از سال ۹۷ به بعد این همه شوک متحمل شد با این حال دولت سیاست حمایتی مشخصی نداشت. نتیجه این نوع حمایت رشد ۱۰ واحد درصدی نرخ فقر

از سال ۹۷ تا ۹۹ است. به عبارت دیگر ۸ میلیون نفر دیگر به زیر خط فقر رفته‌اند و سؤالی که پیش می‌آید این است آیا گزینه‌های جایگزین برای حمایت وجود داشت؟ حداقل وقتی می‌گوییم ۸ میلیون نفر جدید به افراد زیر خط فقر اضافه شده‌اند آیا می‌توانستیم راهکارهای دیگری برایشان داشته باشیم؟ به نظر می‌رسد نظام حمایتی ما ناکارا بوده و همچنان هست اما به نظر می‌آید که می‌شد با مداخله درست دولت حداقل با این میزان قابل توجه رشد فقر مواجه نمی‌شدیم. در مواجهه با این شوک‌ها دولت یک سیاست داشته است؛ تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی. آن هم کالاهایی که مثل روغن چندان در جهت سلامت جامعه نیست و میزان استفاده خانوارها و میانگین استفاده آن‌ها چند برابر میانگین جهانی است. اگر دولت برای این سیاست دغدغه رفاه مردم را داشته دیگر را که در سبد خانوار و مشخصاً

نگاه ما به نظام حمایتی باید تغییر کند و رویکرد ضد فقر داشته باشد. به نظر می‌رسد با همین منابعی که دولت در ۳ سال اخیر در دست داشت می‌توانست به شکلی رفتار کند که الان میانگین کالری مصرفی‌مان به کمتر از حد استاندارد نرسد در حالی که میانه کالری مصرفی سه سال است که به کمتر از ۲ هزار و ۱۰۰ کالری رسیده یعنی سه سال است که حداقل ۵۰ درصد ایرانی‌ها کمتر از حد استاندارد کالری، زندگی می‌کنند. روند نزولی کالری نشان می‌دهد که در این جامعه غذا به عنوان شکلی از فقر موضوعیت نداشت اما الان به سمت سوء تغذیه می‌رویم و سؤالی که پیش می‌آید این است که دولت برای جبران باید چه اقداماتی انجام دهد؟ قرار بود هزینه مرغ و برنج و تخم مرغ گران نشود که شد. مصرف اقشار ایرانی هم در سه سال اخیر استفاده از مرغ کاهش پیدا کرده است.

این‌ها نشان می‌دهد که رفاه مسیر درستی را طی نمی‌کند و طبقه متوسط

بهرتر بود. نظام حمایتی باید مواجهه فعال داشته باشد. مسأله این است که نظام حمایتی یک بحث تخصصی است که چهارچوب خاص خود را دارد و باید در همان چهارچوب به آن نگاه شود. اگر منابعی در دست دولت است و می‌خواهد حمایت را انجام دهد مطمئناً باید در همان چهارچوب شکل بگیرد.

کامران ندردی: در بحث سیاست‌های حمایتی ما ساختار لازم برای شناسایی افراد نداریم. البته آقای عبداللهی یک سطح هم بالاتر می‌رود و می‌گوید علاوه بر اینکه افراد را شناسایی می‌کنید، بگویید چه کسی به چه چیزی نیاز دارد. الان به دوشکل دارید حمایت می‌کنید. یکی به شکل پنهان است و ارز ۴۲۰۰ می‌دهید یکی هم نقدی حمایت می‌کنید. به نظر بنده اگر هم بخواهید این‌ها را اصلاح کنید، اول سعی کنید تورم را کنترل کنید و این شدنی است و می‌توان با اعمال سیاست پولی صحیح این کار را انجام داد. اینکه شما یکبار به این جمع‌بندی می‌رسید که فردا همه

یکباره مثلاً ۱۰۰ هزار تومان شود، این کارمند معیشت خود را چگونه می‌تواند مدیریت کند؟ این باعث می‌شود مردم وارد خیابان بشوند و فشار عمومی زیاد شود و یکباره از آن طرف می‌افتیم و مجبور می‌شویم حقوق و دستمزدها را بشدت بالا ببریم. لذا تعادل لازم را در تصمیم‌گیری‌ها نمی‌بینیم. شما اگر دهه ۸۰ همان برنامه افزایش ۱۰ درصدی را که در برنامه سوم یا چهارم پیش بینی شده بود دنبال می‌کردید، مجبور نبودید به یکباره به اقتصاد شوک وارد کنید و قیمت حامل‌های انرژی را در یک آن چند صد درصد بالا ببرید.

اگر قیمت حامل‌ها را سالی چند درصد تعدیل می‌کردید، شاید الان وضعیت خیلی بهتر بود و فشار اصلاح قیمت‌ها روی مردم خیلی کمتر بود. واقعیت این است که مشکل اصلی در کشور ساختار نظام بودجه‌ریزی و ساختار سیاست پولی است که متأسفانه تغییر اساسی و مبنایی در آن مشاهده نمی‌شود و به نظر می‌رسد دانش و تخصص لازم،

رشد پایه پولی و دوباره تورم و مسیری خواهیم داشت که به سمت تورم‌های قابل توجه و بالاتر هدایت‌مان خواهد کرد.

■ در رابطه با دارو که جامعه نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای دارد حذف ارز ترجیحی چه تبعاتی دارد؟

کامران ندردی: در بحث توزیع دارو ما یک نظارت نسبتاً قابل قبول سیستمی داریم که می‌تواند کنترل کند ارز ۴۲۰۰ تومانی خیلی از مسیر منحرف نشود. اما در هر حال، این سیستم که شما قیمت را تعیین می‌کنید و دولت باید به آن پایبند باشد، وقتی دارویی خیلی ارزان باشد ممکن است پزشکان آن را زیاد تجویز کنند یا خود بیمار ممکن است متقاضی شود که این دارو را برایش تجویز کنند. عرضه کننده هم برای اینکه بخواهد در داخل روی این کالا سرمایه‌گذاری کند، انگیزه‌ای ندارد و اگر بخواهد کاری انجام دهد، بیشتر تمایل دارد از رانت ارز ۴۲۰۰ تومانی استفاده کند. در واقع اینجا یک نوع رانت وجود دارد که سرمایه‌گذار می‌خواهد از آن استفاده کند. پس در ۴۲۰۰ تومانی دارو نیز حذف شود. اما همان طور که عرض کردم این کار باید به صورت تدریجی و هم زمان با بهبود شرایط اقتصادی انجام شود و نباید به یکباره به مردم، مخصوصاً در شرایط بد اقتصادی، شوک وارد کرد.

محمد رضا عبداللهی: در شرایط فعلی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از دارو می‌تواند موضوعیت داشته باشد اما اساساً موضوع دارو با چند قلم دیگر متفاوت است. ارز ترجیحی دارویی می‌تواند حذف شود و هیچ اتفاقی برای مصرف کننده نیفتد. پیش شرط این کار سه مورد است؛ نخست اینکه شما با مکانیسم بیمه‌ای بخواهید داروهایی که ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌گیرند و قرار است افزایش قیمت پیدا کنند را تحت پوشش قرار دهید که سهوم خانوار برای پرداخت قیمت این داروها افزایش پیدا کنند. پیش شرط دوم این است که با این راهکار همه ایرانی‌ها باید تحت پوشش بیمه باشند. ملاحظه سوم نیز این است که بعضی از داروهایی که مردم و دولت نسبت به آن حساسیت دارند و به هر دلیلی تحت پوشش بیمه نیستند در این مورد کیفیت اجرا بسیار مهم است و اینکه مکانیسم بیمه درست کار کند و منجر به نارضایتی نشود. باید اراده جدی نیز در سیاستگذار شکل بگیرد. سال گذشته در لایحه بودجه ۱۴۰۰ این موضوع خیلی مورد تأکید نمایندگان بود و در آن زمان وزیر بهداشت گفت این ملاحظات وجود دارد فقط یک سال به من فرصت دهید تا ملاحظات آن را اجرایی کنم. بعد از یک سال هیچ کس در وزارت بهداشت و مجلس نسبت به اینکه ملاحظات اجرا چه بود و بایستی افراد تحت پوشش بیمه قرار می‌گرفتند و لیست چه تغییر می‌کرد و اینکه سهم بیمه‌ای باید به چه شکلی تغییر می‌کرد هیچ فکری نکردند و در حال حاضر دوباره می‌خواهیم روی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی دارو صحبت کنیم.

محمد رضا عبداللهی: بر اساس اعلام‌های غیررسمی برای سال ۱۴۰۰، منابع

مورد نیاز این سیاست ۱۷ میلیارد دلار است این در حالی است که برآوردهای سرانگشتی از درآمد‌های نفتی نشان می‌دهد در بهترین حالت درآمد ارزی این دولت ۱۱ میلیارد دلار خواهد بود. یعنی در یک سال کسری ۶ میلیارد دلاری برای اجرای این سیاست وجود دارد. این موضوع در سال‌های قبل نیز تا حدی موضوعیت داشته است و براساس اعلام رسمی رئیس وقت بانک مرکزی طی سال‌های ۹۸ و ۹۹ صرفاً از محل ذخایر بانک مرکزی ۱۲ میلیارد دلار برای ارز ۴۲۰۰ تومانی تخصیص پیدا کرده است. مطمئناً در شرایط تحریمی تخصیص ذخایر ارزی بانک مرکزی برای این سیاست می‌تواند آشناباهی هولناک قلمداد شود. اگر هم این کسری بخواهد از طریق خرید از نیما و تخصیص ۴۲۰۰ تومانی تأمین شود هم که به ازای هر دلار نزدیک به ۲۰ هزار تومان پایه پولی رشد خواهد یافت که با فرض کسری ۶ میلیارد دلاری این سیاست نزدیک به ۱۲۰ هزار میلیارد تومان فقط از این محل پایه پولی رشد خواهد یافت که آثار تورمی آن قابل ملاحظه خواهد بود

چیز را حذف کنید، در واقع دارید افراطی عمل می‌کنید. شما که نمی‌توانید از مردم حمایت کافی کنید. ۱۲۰ هزار تومان، معادل مافی ۴ دلار به ازای هر فرد می‌شود. آن ۴۵ هزار تومان که آقای احمدی‌نژاد داد، در زمان خودش، معادل ماهی ۱۲ دلار به هر فرد بود. ضمناً سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در زمان آقای احمدی‌نژاد در زمانی انجام شد که نرخ تورم آن زمان به نسبت نرخ تورم امروز خیلی پایین‌تر بود و شرایط اقتصاد کلان به مراتب پایدارتر بود.

همچنین باید بگوییم که متأسفانه دولت‌ها در ایران بودجه‌ریزی بلد نیستند و نکاتی که آقای دکتر عبداللهی می‌گوید بر این واقعیت صدها می‌گذارد. وقتی دولت فقط به عنوان مثال ۱۰ درصد به طور متوسط حقوق کارمند را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر قیمت مرغ به

به زیر خط فقر می‌روند و شدت فقر طبقه فقیر هم زیاد می‌شود. آیا در این شرایط نگاه دولت به اینکه قیمت یکسری کالاها را ثابت نگه دارد می‌تواند مکانیسم درستی برای حمایت باشد؟ پیشنهاد می‌شود دولت پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی با ارائه سیدغذایی مناسب افراد دارای سوء تغذیه را پوشش دهد. در واقع نظام حمایتی باید متناسب با علت فقر حمایت‌های متفاوت کالایی و نقدی داشته باشد. اما نظام حمایتی ما به مردم پول می‌دهد چون کار آسانی است و زحمتی برای سیاستگذار ندارد. پس نقش نهادهای حمایتی مثل کمیته امداد، بهزیستی و وزارت رفاه در کشور ما چیست؟ در همه دنیا با توجه به شکل ساختار فقر نوع حمایت را انتخاب و خود را با آن جامعه تنظیم می‌کند. به نظر من اگر ارز را حذف می‌کردیم و یارانه می‌دادیم شاید وضع بخشی از فقرا

کامران ندردی: هیچ اقتصاددانی از تداوم اعمال سیاست‌هایی مثل تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی که مختص دوران خاصی است، دفاع نمی‌کند اما مخالفت بنده به این دلیل است که شرایط اقتصادی کشور اساساً نیست و به نوعی گرفتاریک جنگ اقتصادی هستیم. من با اصل حذف موافقم ولی با زمان و مدل اجرایی و یکباره آن مخالف. هرچه دولت در رسیدن به اهداف اقتصاد کلان یعنی کنترل و مهار تورم موفق‌تر عمل کند، سریع‌تر می‌تواند این برنامه‌ها را به نقطه انتهای آن نزدیک کند. اکنون شرایط اقتصاد کلان برای انجام این برنامه در دی ماه ۱۴۰۰ فراهم نیست. حتی اگر مذاکرات نیز به سرانجام برسد و شرایط برای اجرای این برنامه نیز مناسب شود توصیه من این است که این کار را تدریجی انجام دهند. برای مثال ۴۲۰۰ را به جای اینکه یکباره به ۲۳ هزار تومان برسانند، در حالت نخست بین ۲۵ تا ۵۰ درصد افزایش یابد نه ۶۰۰ درصد.

دهک‌های ضعیف سهم بیشتری داشتند، حفظ می‌کرد و مثلاً حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی روغن موضوعیت بیشتری نسبت به حذف ارز برنج دارد. به نظر می‌رسد کالاهایی که در حال حاضر ارز آن‌ها ۴۲۰۰ است لزوماً به معنای آن نیست که سیاستگذار با دغدغه رفاه خانوار خواسته این کالاها رشد قیمت کمتری داشته باشند. سیاستگذار برای آن‌هایی که زورش رسیده مانند برنج، شکر و کره و... تصمیم گرفته و حذف کرده و برخی دیگر از کالاها مثل روغن مرغ چون حذف‌شان سخت‌تر بوده باقی مانده‌اند. به نظر من سیاستگذار دغدغه رفاه مردم را نداشته که اگر داشت می‌بایست سرنوشت برنج و روغن یکسان می‌بود چون قوت غالب ایرانی برنج است، نه روغن است و نه مرغ. اگر با نگاه حمایتی به این سیاست نگاه می‌کنیم این روش درستی نیست. نوع

مخصوصاً در رده مدیران ارشد [در زمینه بودجه ریزی] باید تقویت شود.

■ درگیر بودن اقتصاد ایران با تحریم چقدر اجرای چنین سیاست‌هایی را با چالش مواجه می‌کند؟ در این مقطع دولت باید چه مواردی را لحاظ کند؟

محمد رضا عبداللهی: حداقل چشم‌انداز مانسبت به تحریم این است که در آینده کوتاه مدت تغییر جدی نخواهیم دید. اگر درون دولت جمع‌بندی نسبت به بهتری یا بدتر شدن تحریم وجود دارد، می‌توانند پیشنهاد و اجرای این سیاست را به تأخیر بیندازند یا اجرایش کنند. ما که در حوزه پژوهشی این مسأله را رصد می‌کنیم به نظر می‌رسد که چشم‌انداز را باید به حساب تداوم وضعیت موجود بگذاریم. تداوم وضعیت موجود یعنی دولت فقط به عنوان مثال ۱۰ درصد به طور متوسط حقوق کارمند را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر قیمت مرغ به